



جامعه ایران زیر بررسی

نظری آکادمی های عبری

«وقایع اسرائیلیه» یکی از پروژه های فرهنگی و اجتماعی

دانشگاه عبری اورشلیم را بررسی کرد



محمد آسیابانی

دانشگاه عبری اورشلیم که پردیس اصلی آن در کوه اسکوپوس، با چشم اندازی به شهر قدیم قدس قرار دارد، اکنون یکی از مراکز علمی مهم در رژیم اسرائیل است، هرچند که ۳۰ سال پیش از اعلام موجودیت

این رژیم توسط کسانی بنیان گذاری شد که رؤیای پیوند دانش مدرن با میراث فرهنگی یهود را در سر داشتند. این دانشگاه نه تنها در حوزه های علوم طبیعی و پزشکی شهرت جهانی دارد، بلکه در مطالعات خاورمیانه، فلسفه تطبیقی و زبان شناسی سامی نیز نقش کلیدی ایفا می کند. بسیاری از پروژه های بین المللی این دانشگاه، به ویژه در زمینه علوم اعصاب، هوش مصنوعی و مطالعات ایران، در همکاری با مؤسسات اروپایی و آمریکایی انجام می شوند و اغلب از دید رسانه های ایرانی پنهان مانده اند.

در سال ۲۰۲۱ پروژه ای با عنوان *A History of Children and Childhood in Modern Iran (circa 1870–1970)* (تاریخ کودکان و دوران کودکی در ایران مدرن از حدود ۱۸۷۰ تا ۱۹۷۰) با پژوهش دکتر سیوان بالسلف (Sivan Balslev) در این دانشگاه شروع به کار کرد. حامی مالی این پروژه بنیاد علوم اسرائیل (ISF – Israel Science Foundation) است با شماره گرنت ISF Grant No. ۲۷۷۴۳ از این پروژه تاکنون سه مقاله منتشر شده است و طبق پیش بینی منتشر شده در سایت دانشگاه احتمالاً کتاب نهایی آن تا پایان سال ۲۰۲۵ منتشر شود. کتاب این دست از پروژه ها را معمولاً دانشگاه عبری اورشلیم در همکاری با یکی از ناشران دانشگاهی معتبر مانند Brill یا Routledge منتشر می کند.

بیوگرافی علمی سیوان بالسلف

سیوان بالسلف که به عنوان پژوهشگر برجسته تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران مدرن شناخته می شود، عضو هیئت علمی گروه مطالعات اسلامی و خاورمیانه، دانشگاه عبری اورشلیم است و دروسی چون تاریخ ایران مدرن و تاریخ اجتماعی و فرهنگی خاورمیانه را تدریس می کند. دفتر او در ساختمان علوم انسانی این دانشگاه اتاق ۵۳۰۷ واقع است.

او مدرک کارشناسی خود را در رشته مطالعات میان رشته ای و تاریخ خاورمیانه از دانشگاه تل آویو با درجه ممتاز گرفت. در ادامه در همین دانشگاه کارشناسی ارشد خود را در رشته تاریخ خاورمیانه و آفریقا با درجه ممتاز اخذ کرد. بالسلف تحصیلات را در همین دانشگاه و مدرسه تاریخی زوی یاتس و مرکز مطالعات ایرانی Alliance و در مقطع دکتری ادامه داد و از رساله خود با عنوان «جوانمرد، فکولی، پیشاهنگ: تغییر مردانگی ها در ایران در حال مدرن شدن، حدود ۱۸۷۰–۱۹۴۰، با راهنمایی دیوید مناشتری دفاع کرد.

او نویسنده کتاب «مردانگی های ایرانی: جنسیت و تمایلات جنسی در ایران اواخر قاجار و اوایل پهلوی» است که به سال ۲۰۱۹ توسط انتشارات دانشگاه کمبریج منتشر شد. به سال ۱۴۰۰ ترجمه فارسی این کتاب نیز توسط نشر همان در دسترس مخاطبان داخل ایران قرار گرفت. منتقدان این کتاب را نخستین پژوهش جامع درباره مردانگی در ایران مدرن می دانند که در آن تحول مفهوم «مرد ایرانی مطلوب» در دوره قاجار و پهلوی اول بررسی شده و پژوهشگر ضمن آن به تحلیل پوشش، رفتار، گفتار و ذهنیت مردان در بستر ملی گرایی و مدرنیزاسیون پرداخته است.

بالسلف همچنین دو مجموعه شعر «تولد دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» فروغ فرخزاد را به عبری ترجمه کرده است که این دو کتاب از جمله آثار پرفروش شعر در اسرائیل بوده اند.

به طور کل حوزه های پژوهشی مورد علاقه بالسلف شامل این موارد است:

«تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران در قرون ۱۹ و ۲۰»، «مطالعات جنسیت، مردانگی و کودکی»، «تاریخ زندگی روزمره، آموزش و خانواده» و «ترجمه و تحلیل ادبیات فارسی».

مقاله های منتشر شده از پروژه

همانطور که اشاره شد تاکنون سه مقاله از این پروژه منتشر شده اند که در ادامه به مروری بر آن ها می پردازیم.

نخست مقاله «پیشاهنگی در ایران در بحبوحه تغییر رویه های مردانگی و کودکی» است که سال گذشته (۲۰۲۴) در نشریه Journal of Imperial and Commonwealth History منتشر شد.

بالسلف در این مقاله جنبش پیشاهنگی در ایران دوره رضاشاه را بررسی می کند و نشان می دهد که چگونه این جنبش برای تربیت «پسران وطن پرست» طراحی شد. پیشاهنگی به عنوان ابزاری برای حل تنش میان استقلال نوجوانان و کنترل دولتی عمل می کرد. نویسنده ثابت کرده که دولت از پیشاهنگی برای مهار انرژی سیاسی نوجوانان استفاده و آن را جایگزین کار کودک و فعالیت های غیررسمی کرد. در نهایت بالسلف نتیجه گرفت که مردانگی مدرن در ایران با آموزش، انضباط و وفاداری به شاه تعریف شد.

مقاله دوم نیز «مدیر مدرسه و بچه ها: مردسالاری و کودکی های در حال تغییر در رومان جلال آل احمد» نام دارد که آن هم سال گذشته در نشریه Iranian Studies منتشر شد.

این مقاله داستان های جلال آل احمد و رمان «مدیر مدرسه» او را تحلیل می کند و نشان می دهد که چگونه مفهوم کودکی در بستر پدرسالاری و آموزش رسمی بازتعریف شده است. نویسنده با تمرکز بر رابطه مدیر مدرسه و کودکان، نشان می دهد که چگونه نهاد های آموزشی در ایران مدرن، کودکی را به عرصه ای برای کنترل اجتماعی تبدیل کردند. مقاله به ویژه بر تنش میان استقلال کودک و اقتدار بزرگسال تمرکز دارد.

در نهایت سومین مقاله نیز که بازم سال گذشته منتشر شد «سازمان های بین المللی و مسئله کار کودکان در صنعت فرش ایران» نام دارد که مخاطبان آن را در نشریه Labor History مطالعه کردند.

بالسلف در این مقاله به بررسی کار کودک در صنعت فرش ایران بین سال های ۱۸۹۰ تا ۱۹۳۰ پرداخته است. او نشان می دهد که چگونه سازمان های بین المللی مانند ILO و میلغان بریتانیایی تلاش کردند شرایط کودکان کارگر را بهبود دهند. مقاله بر بدن کودک، آسیب های فیزیکی و نگاه غربی به کودکی تمرکز دارد و بخشی از تلاش گسترده تر برای تحلیل جهانی شدن مفهوم کودکی در ایران است.

تاریخ کودکان در ایران

و نسبت میان «دانش» و «قدرت»

مطالعه پژوهی ای چون «تاریخ کودکان و دوران کودکی در ایران مدرن» در دانشگاه عبری اورشلیم، آن هم با حمایت بنیاد علوم اسرائیل، نشان می دهد که رژیم اسرائیل نه تنها در حوزه های امنیتی و نظامی بلکه در عرصه های فرهنگی و مطالعات اجتماعی نیز به شناخت عمیق و هدفمند از جامعه ایران اهتمام دارد. به طور کل روش اسرائیل را باید در امتداد روش های استعماری غربی دید.

دانش شرق شناسی نیز در زمینه های استعماری متولد شد و بالید، هرچند که بعدها عمده راه خود را از استعمار جدا کرد.

پروژه «تاریخ کودکان و دوران کودکی در ایران مدرن» که توسط پژوهشگری متخصص در تاریخ اجتماعی ایران انجام شده، به وضوح بیانگر آن است که اسرائیل برای فهم لایه های پنهان فرهنگ، تربیت، جنسیت و ساختار های اجتماعی ایران، از ابزار های آکادمیک بهره می گیرد و این شناخت را در قالب مقالات علمی و کتاب های تخصصی به زبان عبری گسترش می دهد. مطالعه کودکی در ایران، آن هم با تمرکز بر نهادهایی مثل مدرسه، پیشاهنگی و خانواده، دقیقاً در امتداد همان چیزی است که میشل فوکو آن را «نظم بخشی از طریق دانش» نامید. فوکو معتقد بود که دانش و قدرت از هم جدا نیستند؛ هر جا دانشی تولید می شود، نوعی قدرت نیز اعمال می شود و نشان داد که چگونه نهادهایی مثل مدرسه، بیمارستان یا دانشگاه، با تولید دانش تخصصی، به کنترل و نظم بخشی به جامعه می پردازند. حال وقتی این دانش در یک نهاد آکادمیک اسرائیلی تولید می شود، می تواند به ابزاری برای «فهم و مهار» جامعه ایرانی تبدیل شود، یعنی همان پیوند دانش و قدرت که فوکو درباره اش هشدار می داد. حتی می توان گفت که پروژه هایی مانند «تاریخ کودکی در ایران» در دانشگاه های اسرائیلی در امتداد همان پروژه های تولید دانشی است که دانشمندان فقید فلسطینی ادوارد سعید، شرقیان را نسبت به آن ها هشدار داده بود، چرا که این پروژه رو به اتمام دانشگاه عبری اورشلیم روندش تولید دانش درباره ایران، با هدف فهم، طبقه بندی و در مواردی، هدایت گفتمان های فرهنگی و اجتماعی آن است. وقتی پژوهشگری اسرائیلی، مفاهیم مردانگی، تربیت و کودکی در ایران را تحلیل می کند، این دانش می تواند در خدمت سیاست گذاری های فرهنگی یا حتی امنیتی هم قرار گیرد. در واقع، نوع مطالعات بخشی از «قدرت نرم» اسرائیل در مواجهه با ایران هستند؛ همان چیزی که سعید آن را «دانش در خدمت قدرت» می نامید.

در حالی که اسرائیل با دقت و سرمایه گذاری به مطالعه تاریخ مردانگی، کودکی، آموزش و خانواده در ایران می پردازد، نظام دانشگاهی ما همچنان فاقد نهادهای تخصصی و پایدار در حوزه «اسرائیل شناسی» است. این خلأ، نه تنها در سطح پژوهش های راهبردی بلکه در آموزش عمومی و تربیت نسل جدید پژوهشگران نیز محسوس است. ما هنوز فاقد رشته ای مستقل در دانشگاه های کشور برای شناخت ساختار های فرهنگی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی اسرائیل هستیم، در حالی که دشمن، با دقتی مثال زدنی، تاریخ اجتماعی ما را مطالعه و تحلیل می کند.

این غفلت، در شرایطی که تقابل ایران و اسرائیل ابعاد پیچیده تری یافته، می تواند آسیب زا باشد. شناخت دقیق از ساختار فکری، فرهنگی و آکادمیک اسرائیل، نه تنها برای تحلیل رفتار های سیاسی و امنیتی این رژیم ضروری است، بلکه برای طراحی سیاست های فرهنگی، رسانه ای و تربیتی در داخل نیز اهمیت دارد. اکنون زمان آن رسیده که نظام آکادمیک ایران، با نگاهی راهبردی، به تأسیس مراکز تخصصی اسرائیل شناسی، تربیت پژوهشگران در این حوزه و تولید دانش بومی درباره ساختار های فکری و فرهنگی دشمن اقدام کند. شناخت دشمن، پیش شرط هر نوع مواجهه مؤثر با اوست؛ چه در میدان سیاست، چه در عرصه فرهنگ.